آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۲۰۰۰
پنجشنبه
۱۴۰۳•۰۹•۲۹
۱۷ جمادی الثانی ۱۴۴۶/ ۱۹ دسامبر ۲۰۲۴

یادداشت

سوریه و چالش‌های منطقه

مبین عبدی
کارشناس مطالعات خاورمیانه

سیر تحول و ناآرامی‌ها در سوریه با سرعت بسیاری انجام شد و برای همه بهت‌آور بود. افزایش جبهه جدیدی از تنش‌ها در غرب آسیا مساله‌ای نیست که بتوان از آن چشم‌پوشی کرد و نگرانی همه دولت‌ها را در این منطقه و آینده آن را در پیش دارد اما چند سوال است که لازم کمی در مورد آن بیشتر فکر کنیم. چرا ارتش سوریه مقاومتی برای مقابله با گروه‌های تروریستی و دیگر معارضین انجام نداد؟ ترکیه در این میان چه منافعی دارد؟ روسیه در میانه آشوب چه کرد؟ ایران، محور مقاومت و دیگر دولت‌های منطقه چه می‌کنند؟ پس از شروع روند ناآرامی‌ها در سوریه از مارس ۲۰۱۱ ارتش نقش فعالی در این مسائل داشت، مقابله با گروه‌های تکفیری و به ویژه داعش توسط ارتش اسد، با کمک نیروهای مستشاری روسیه و ایران، دست برتر نظامی در سوریه را برای اسد ایجاد کرده بود، اما باید توجه داشت مشکلات اقتصادی سوری‌ها با دریافت میانگین حقوق ۲۰ دلاری ارتش این کشور که بسیار کم تلقی می‌شود علاوه بر دلیلی بر وا دادن و بی‌انگیزگی در مقابل انگیزه‌ای برای نفوذ و همراهی با معارضین را بیشتر می‌کند، این در حالی است که فساد سیستماتیک سال‌هاست در سوریه رخنه کرده است و حتی پس از برچیدن بساط داعش باز هم حکومت اسد انگیزه‌ای برای ایجاد اصلاحات و رفع این مشکلات نداشت، همین مساله هم یکی دیگر از دلایل بی‌انگیزگی ارتش و حتی مردم برای مقابله با معارضین بود. ترکیه به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه خاورمیانه و هم‌پیمان آمریکا و عضو ناتو همیشه به دنبال بسط دایره نفوذ خود در منطقه بوده و اردوغان این مساله را در حمایت از گروه‌های مسلح در لیبی و شمال آفریقا و همچنین همکاری با ناتو در تامین امنیت بخش‌هایی از افغانستان پس از خروج آمریکا نشان داده است. اردوغان با کارت سوریه دست به موازنه قوای داخلی و خارجی زده است. یکی از دلایل تضعیف اک پارتی (حزب اردوغان) عواقب بحران سوریه و مساله مهاجران بود. بازگشت مهاجران سوری به بازسازی چهره اسلامگرایان در ترکیه کمک کند و جایگاه ایشان را ارتقا ببخشد، اما در بعد خارجی می‌توان به موازنه با رقبای منطقه‌ای از جمله ایران و عربستان اشاره داشت، پیروزی اسلام‌گرایان اخوانی تقویت مواضع ترک‌ها در غرب آسیا و دروازه شمال آفریقا را در بر دارد علاوه بر این به نقش‌آفرینی بیشتر اردوغان در سوریه منجر خواهد شد و می‌تواند سپهر سیاسی تعامل ترکیه با غرب و به ویژه آمریکا را تحت تاثیر خود داشته باشد. اردوغان این بار دست بالا را برای امتیازگیری از غربی‌ها برای تامین امنیت اسرائیل و تضعیف محور مقاومت و اصلی‌ترین دغدغه اردوغان یعنی مهار کردها دارد. بعید نیست به زودی شاهد درگیری‌هایی بین گروه‌های مسلح سوری با کردها (نیروهای دموکراتیک سوریه) باشیم که در حال حاضر بیش از ۳۰ درصد مناطق سوریه را در اختیار دارند. هانس مورگنتا، استاد واقع‌گرا و نظریه‌پرداز بین‌الملل، در تعریف اتحادها می‌گوید: «اتحاد عبارت است از یک توافق رسمی میان دو یا چند کشور برای مدت معینی برای پیشبرد منافعشان به ویژه در ارتباط با امنیت ملی.» هدف بیشتر اتحادها ترکیب توانایی‌ها و افزایش ظرفیت‌ها برای کسب منافع بیشتر است. بنابراین دولت‌ها زمانی به اتحاد و ائتلاف می‌پردازند که سود آن بیش از زیان آن باشد. در روابط بین‌الملل هیچ دولتی دوستانه عمل نمی‌کند بلکه منافع ملی هست که چراغ راهنمای دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است. اساس دلیل اتحادها شامل علل خارجی و داخلی است، علل خارجی موازنه قوا، موازنه تهدید و موازنه نرم را در بر دارد و علت داخلی تحکیم جایگاه گروه حاکم در کشور در مقابل معترضین و مخالفین را شامل می‌شود، علاوه بر این یکی از شاخصه‌های قابل توجه اتحادها مدت معین آنهاست، با درک این موئلفه‌های مهم قابل فهم است که نمی‌توان گفت متغیر جنگ اوکراین و درگیری روس‌ها در آن ناحیه تنها عدم پشتیبانی لازم در قابل حکومت اسد را باعث شده بود. احتمالا روسیه پشت پرده توافقاتی با ترکیه و آمریکا داشته است که به زودی نتایج آن را در معادلات نهایی جنگ اوکراین و امتیازاتی در قفقاز مشاهده خواهیم کرد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که روس‌ها برای تامین منافع بده و بستانی انجام داده و معامله کردند و بعید نیست با گروه‌های معارض مسلح نیز توافقاتی این چنینی برای حفظ بندر طرطوس و لاذقیه داشته باشند. حال در این نقطه به مسأله می‌رسیم که جایگاه ایران و محور مقاومت و دیگر بازیگران و کشورهای مهم منطقه در پس این دگرگونی مهم در خاورمیانه چه می‌شود، اساس حمایت غربی‌ها در جهت تغییرات و نظم جدید خاورمیانه نهفته است، این نظم جدید با فروپاشی حکومت اسد در سوریه که پس از شهادت رهبران حزب‌ا... و حماس است به دنبال تضعیف بیش از پیش محور مقاومت و جمهوری اسلامی، با درگیر کردن عراق، یمن و نهایت رسیدن به ایران است. یمن گزینه بعدی محور استکبار برای مقابله است. یمن و انصارا... که در سال گذشته در قبال مساله فلسطین سکوت اختیار نکرده و مزاحمت‌هایی را در خلیج عدن، تنگه باب المندب، دریای سرخ و عبور و مرور دریایی به سمت سرزمین‌های اشغالی و عملیات‌هایی در خاک فلسطین اشغالی انجام داده است.

آلبرت بغازیان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دولت باید به جای بر هم زدن بازار نظارت قوی‌تری داشته باشد

تشکیل بازار ارز توافقی باعث افزایش قیمت ارز شده است

دولت زمان مناسبی را برای افزایش قیمت ارز در نظر نگرفته است

آرمان ملی- احسان انصاری: افزایش قیمت‌ها در بازار طلا و ارز و ثبت رکوردهای جدید و البته نجومی در این بازارها به خصوص برای انواع قطعات سکه و طلا موجب شده است فعالان بازار و کارشناسان اقتصادی بر پرریسک بودن معاملات در این شرایط تأکید کنند، هرچند عامل اصلی افزایش قیمت طلا و سکه مخصوصا در روزهای اخیر ناشی از افزایش محسوس قیمت طلای جهانی و صعود اونس طلا است، اما بخشی از این افزایش قیمت‌ها هم به خاطر افزایش قیمت ارز در بازار است. تحلیلگران بر این باورند که ترکیبی از عوامل داخلی نظیر کسری بودجه، کاهش عرضه ارز و افزایش انتظارات تورمی، و عوامل خارجی مانند تنش‌های خاورمیانه و سیاست‌های پولی جهانی، بازار ارز را در فاز جدیدی از نوسان قرار داده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین دلایل افزایش نرخ ارز و طلا با دکتر آلبرت بغازیان اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. بغازیان در این زمینه معتقد است: «در شرایط کنونی نرخ‌های متفاوتی از ارز در سامانه‌های مختلف مطرح می‌شود. افزایشی یا کاهشی شدن نرخ ارز بستگی به این دارد که دو گروهی که بر سر ارز توافق می‌کنند به چه رقمی دست پیدا کنند. این در حالی است که ما با وضعیت شناوری مواجه هستیم و مشخص نیست که چه زمانی این وضعیت به ثبات می‌رسد. آن چیزی که باعث افزایش نرخ ارز در روزهای اخیر شده تشکیل بازار ارز توافقی بوده است. این در حالی است که من مخالف این تصمیم نیستم و نباید نرخ ارز نیمایی همچنان باقی می‌ماند اما معتقدم زمانی که برای این تصمیم‌گیری در نظر گرفته‌اند زمان مناسبی نبوده است. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که سیاست‌های جبرانی نیز برای آن در نظر گرفته نشده است. بدون تردید افزایش قیمت نرخ ارز به همراه خود تورم خواهد آورد.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مهم‌ترین دلایل افزایش قیمت ارز و سکه در روزهای اخیر چیست؟

برای اینکه دلیل افزایش قیمت نرخ ارز را مورد بررسی قرار بدهیم باید در فاصله افزایش قیمت دلار از ۷۰ هزار تومان به ۷۷ هزار تومان را مورد تحلیل قرار بدهیم. به هر حال برای اینکه قیمت دلار به ۷۰ هزار تومان برسد دلایل مختلفی وجود داشته که هر کدام به نوبه خود در روند صعودی قیمت دلار تأثیرگذار بوده است. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که هر عاملی که تاکنون نرخ ارز را افزایش داده ماندگار شده و مرتفع نشده که دوباره قیمت دلار به نرخ قبلی بازگردد. حتی در شرایطی که یک عامل نیز از بین رفته به سرعت عامل دیگری جای آن را گرفته و بیش از گذشته قیمت ارز را افزایش داده است. در واقع در هفته گذشته بوده که قیمت دلار از ۷۰ هزار تومان به ۷۷ هزار تومان افزایش پیدا کرده است. برای پیدا کردن دلیل این قضیه نیز باید متغیرهای متفاوت را در نظر گرفت، اما در هر صورت مناسبات اقتصادی داخلی در هفته اخیر تغییر نکرده و نمی‌توان عنوان کرد که دلیل اصلی افزایش نرخ ارز تغییر مناسبات اقتصادی درکشور بوده است.

مهم‌ترین اتفاقی که در روزهای اخیر رخ داده سقوط دولت بشار اسد در سوریه بوده است. این اتفاق به چه میزان بر افزایش نرخ دلار و ارز تأثیرگذاشت؟

سقوط دولت بشار اسد در کوتاه‌مدت غیرقابل پیش‌بینی و تکان‌دهنده بود. با این وجود در ماه‌های اخیر تنش‌های زیادی در منطقه وجود داشته که ترورهایی صورت گرفته که باعث افزایش نرخ ارز تا به این اندازه نشده است. به همین دلیل نمی‌توان سقوط بشار اسد را به عنوان یک عامل کلیدی برای افزایش نرخ ارز در نظر گرفت. سقوط دولت بشار اسد نیز رخ داده و دیگر تکرار نمی‌شود و به همین دلیل نیز نمی‌توان عنوان کرد شرایط مانند حمله اسرائیل به غزه است که ممکن است دوباره به حالت قبلی برگردد. عامل دیگری که می‌تواند در این زمینه تأثیرگذار باشد نزدیک شدن به آغاز ریاست جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا است. این در حالی است که ترامپ نیز در دوران رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری دیدگاه‌های خود را درباره ایران مطرح کرده است. به همین دلیل شاید در شرایط کنونی زود است که اثرات حضور ترامپ در کاخ سفید را بر اقتصاد ایران مشاهده کنیم و هنوز مشخص نیست که رویکرد ترامپ نسبت به ایران به چه صورت خواهد بود و آیا رویکردی که وی در پیش خواهد گرفت باعث افزایش نرخ ارز خواهد شد و یا خیر. در نهایت عامل اصلی که قیمت ارز و طلا را در روزهای اخیر افزایش داده تشکیل بازار ارز توافقی است.

> **من مخالف تشکیل بازار ارز توافقی نیستم و نباید نرخ ارز نیمایی همچنان باقی می‌ماند اما معتقدم زمانی که برای این تصمیم‌گیری در نظر گرفته‌اند، مناسب نبوده است**

چرا تشکیل بازار ارز توافقی مهم‌ترین دلیل افزایش قیمت ارز در روزهای اخیر بوده است؟

هدف کسانی که تصمیم گرفتند بازار ارز توافقی شکل بگیرد این بود که ارز ترجیحی حذف شود و دیگر دولت و بانک مرکزی قیمت‌گذاری نکند. به همین دلیل تلاش شد نرخ ارز را صادرکنندگان با توافق واردکنندگان مشخص کنند که هر دو طرف رضایت داشته باشند. این در حالی بود که صادرکنندگان همواره گلایه می‌کردند که نرخ بازار آزاد از نرخ ترجیحی بیشتر است و به همین دلیل تمایلی به نرخ نیمایی یا ترجیحی نداشتند. وضعیت واردکننده، اما متفاوت بود و واردکنندگان خوشحال بودند که با نرخ پایین‌تری کالا به دست آنها می‌رسد. در این میان رأنتی شکل می‌گرفت که همواره درباره آن صحبت و گفته می‌شد که باید مانع از تخصیص ارز به واردکنندگان شد. ما به جای اینکه برای حذف رانت، بازار را به هم بریزیم باید نظارت خود را قوی‌تر می‌کردیم. اما این اتفاق رخ نداد و دولت و بانک مرکزی تصمیم گرفتند به جای اینکه دیکته بنویسند و اشتباهات را تصحیح کنند از اساس دیکته ننویسند. جایگزین این وضعیت نیز بازار ارز توافقی است که مورد نظر وزیر اقتصاد بود. وزیر اقتصاد معتقد بود نرخ ارز باید بالاتر برود تا صادرکنندگان در بازار دخالت کنند و در نهایت رانت نیز حذف شود. البته من می‌دانم که بانک مرکزی چندان رضایتی نسبت به این موضوع نداشته است. به هر حال در هفته‌های اخیر آقای فرزین در بانک مرکزی نوعی ثبات در بازار ارز ایجاد کرده بود که با اتخاذ برخی تصمیم‌ها در حوزه‌های دیگر اقتصادی دوباره نرخ ارز روند افزایشی به خود گرفت. هنگامی که زمزمه حذف ارز نیمایی با هدف پایان دادن به رانت بود و تلاش می‌شد نوعی تک نرخی در بازار ایجاد شود همزمان دولت بشار اسد در سوریه نیز سقوط کرد و زمان ریاست جمهوری ترامپ نیز نزدیک‌تر شد و در نتیجه گرد و خاک‌های ناشی از این حوادث با هم تلاقی پیدا کرد.

روند صعودی نرخ ارز و طلا همچنان ادامه پیدا می‌کند و یا اینکه دوباره کاهش پیدا می‌کند؟

در شرایط کنونی نرخ‌های متفاوتی از ارز در سامانه‌های مختلف مطرح می‌شود. افزایشی یا کاهشی شدن نرخ ارز بستگی به این دارد که دو گروهی که بر سر ارز توافق می‌کنند به چه رقمی می‌رسند. این در حالی است که ما با وضعیت شناوری مواجه هستیم و مشخص نیست که چه زمانی این وضعیت به ثبات می‌رسد. آن چیزی که باعث افزایش نرخ ارز در روزهای اخیر شده تشکیل بازار ارز توافقی بوده است. من مخالف تشکیل بازار ارز توافقی نیستم و نباید نرخ ارز نیمایی همچنان باقی می‌ماند، اما معتقدم زمانی که برای این تصمیم‌گیری در نظر گرفته‌اند، مناسب نبوده است. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که سیاست‌های جبرانی نیز برای آن در نظر گرفته نشده است. بدون تردید افزایش نرخ ارز به همراه خود تورم خواهد آورد. برخی حاضر نیستند با نرخی که کالا را خریده‌اند بفروشند و به همین دلیل کمبودهایی در بازار به وجود می‌آید. از سوی دیگر این گروه مطمئن هم نیستند که این نرخ کاهشی می‌شود. در نتیجه بازار با کمبود برخی کالاهای وارداتی مواجه می‌شود و در نهایت قیمت‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. اگر دولت به دنبال رفاه مردم است زمان مناسبی را برای این تصمیم در نظر نگرفته است. واقعیت این است که آنچه دارای اهمیت است سفره مردم است و سفره مردم باید برای دولت در اولویت باشد. نکته مهم دیگر اینکه نرخ توافقی نباید فاصله زیادی از نرخ نیمایی بگیرد. بدون تردید هرچه نرخ ارز توافقی بالاتر تعیین شود به همان میزان نرخ ارز در بازار آزاد بیشتر خواهد شد. هنوز مشخص نیست که بانک مرکزی با چه استدلالی گمان می‌کند اگر بازار توافقی را شناور کند قیمت بازار آزاد کاهش پیدا می‌کند. مگر بازار خودرو را توانستیم با این روش مدیریت کنیم. در همان زمان نیز خودروسازان قیمت را ۳۰ درصد افزایش دادند.

> **وزیر اقتصاد معتقد بود نرخ ارز باید بالاتر برود تا صادرکنندگان در بازار دخالت کنند و در نهایت رانت نیز حذف شود. البته بانک مرکزی چندان رضایتی نسبت به این موضوع نداشته است**

در چنین شرایطی چشم‌انداز پیش روی بازار ارز و طلا همچنان صعودی خواهد بود؟

من فکر می‌کنیم فرایند و سازوکاری که در درون بازار توافقی می‌گذرد تا یک نرخ تعیین شود اشکال دارد. نکته دیگر اینکه محوریت تصمیم‌گیری در بازار توافقی با چه کسانی است؟ آیا تنها زور صادرکنندگان در آنجا زیاد است و یا اینکه واردکنندگان نیز قدرت چانه‌زنی دارند؟ آنچه مشخص است این است که صادرکننده‌ای که ارز را در اختیار دارد در تعیین نرخ ارز دست بالاتری دارد. در چنین شرایطی باید انتظار افزایش نرخ ارز را داشته باشیم. با اینکه من معتقدم بانک مرکزی در زمان دکتر فرزین منطقی و عقلایی عمل کرده اما جای تعجب دارد که سازوکار جدیدی که برای تعیین نرخ ارز در نظر گرفته شده منطقی عمل نمی‌کند.

این سازوکار تعمدا در نظر گرفته شده و یا از روی ناآگاهی بوده است؟

من فکر می‌کنم خیلی خوش‌بینانه به موضوع نگاه شده است. به هر حال افراد آگاهی بر مسند تصمیم‌گیری قرار دارند و هدف آنها نیز این بود که قیمت ارز را کاهش بدهند. با این وجود آن چیزی که در بازار ارز در حال رخ دادن است انتظاراتی را برای بازار آزاد ایجاد کرده که قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند.

دیپلماسی برای آرامش

فریدون مجلسی
کارشناس روابط بین‌الملل

جلسه اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد با دستورالعمل بررسی برجام و تاکید بر پایبندی ایران و اظهارات اعضای شورای امنیت در ارتباط با برنامه هسته‌ای کشورمان نشان می‌دهد که آنها درصدد آماده کردن فضا برای رسیدن به شرایط اجرای مکانیزم ماشه هستند. ایران باید بتواند به اقدامی در ارتباط با پرونده هسته‌ای در عرصه دیپلماسی دست بزند که جلوی این حرکت را بگیرد. در غیر این صورت شاهد بازگشت تحریم‌ها علیه کشورمان آن هم تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهیم بود که همه کشورها موظف به اجرای آن هستند. برخی از مسئولان هم در ارتباط با تغییر دکترین هسته‌ای ایران سخنانی را ایراد کرده‌اند که موجب آن شده که اعضای شورای امنیت به صورت ویژه بر روی اتخاذ این احتمال از سوی ایران با توجه به ذخایر بالای اورانیوم نظرات متمرکز شوند. عرصه سیاست عرصه واقع‌بینی و تصمیمات معقول است و طرفین باید ابعاد هر تصمیم احتمالی در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران را در نظر بگیرند. از سوی دیگر شاهد بودیم که مجمع عمومی سازمان ملل اقدامات اخیر اسرائیلی را هم محکوم کرده است. این مواضع نشان دهنده آن است که قصد دارند نوعی موازنه در تذکر به دو کشور پدید آورند. از سوی دیگر در عرصه دیپلماسی تحولات دیگری در حال رخ دادن است و با حضور مستقیم نمایندگان مصر، اردن، فلسطین، رژیم صهیونیستی و آمریکا مذاکراتی آغاز شده و احتمالا توافقاتی حاصل خواهد شد که به مرزها و توافقات قبلی احترام بگذارند و به آتش‌بس‌های چهارماهه و شش‌ماهه برسند و در این مدت اقدامی نکنند که شرایط بدتر شود. این مجموعه در نظر دارند از شرایط جنگی دور شوند و به سمت مصالحه حرکت کنند. از این رو می‌توانیم این تحولات را در اتخاذ تصمیم‌های دیپلماتیک جدی بگیریم. حال باید دید عربستان نیز به این کنفرانس دعوت خواهد شد یا نه. به نظر می‌رسد بعد از رنج ۱۴ ماه گذشته و پس از قتل عام بی‌گناهان، احتمالا شاهد توافق برای آتش‌بس خواهیم بود.

تلنگر

معاون رئیس جمهور:

شورای عالی امنیت ملی مداخله کند

حمید رسایی، نماینده تندرو مجلس و از مخالفان سرسخت دولت، در پاسخ به علی ربیعی که از ورود شورای امنیت ملی به بحث قانون عفاف و حجاب خبر داده بود، نوشت: «شما که دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده‌اید بهتر از هر کس می‌دانید که بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی، مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تایید رهبر معظم انقلاب قابلیت اجرا دارد.» این سخن او وقتی قابل توجه‌تر می‌شود که بدانیم معاون پارلمانی رئیس جمهور همین امروز گفته: «رئیس مجلس از ما خواسته بود که یک لایحه اصلاحی درخصوص این قانون به مجلس ارسال کنیم، اما فعلا درخواست ما این است که شورای عالی امنیت ملی مداخله کند تا این قانون به دولت ابلاغ نشود.» در عین حال سیامک ره‌پیک، قائم مقام دبیر شورای نگهبان درباره قانون عفاف و حجاب و اختلاف نظر دولت و مجلس، گفته: «دولت و مجلس هر کدام نظری دارند، قوانینی داشتیم که تصویب شدند و بعد اصلاح شدند. در نتیجه مورد خیلی پیچیده‌ای نیست که الان به عنوان معضل و مشکلی مطرح شود. اگر دولت، مجلس و قوه قضائیه اشکالی دارند، به مجلس مطرح کنند، دوستانه پیشنهاد خود را بدهند که در قالب طرح یا لایحه طبق روال انجام شود، خیلی نیاز به جنجال و بحث و متهم کردن این و آن ندارد.» ابلاغ یا عدم ابلاغ قانون عفاف و حجاب یکی از پربحث‌ترین موضوعات در هفته‌های اخیر بوده است. دولت از ابتدا و بارها مخالفت خود با اجرای این قانون را اعلام و تاکید کرد که نیاز به اصلاحاتی دارد. رئیس قوه قضائیه نیز اگرچه بر لزوم اجرای قانون تاکید داشت، اما از اهمیت انجام اصلاحات لازم سخن گفته بود. در عین حال شاهد واکنش‌های گسترده از سوی سیاسیون و فعالان فضای مجازی در هفته‌های اخیر بودیم. مخالفان اجرای این قانون با توجه به شرایط کشور و مملکت نسبت به تبعات اجرای این قانون و افزایش سخت‌گیری‌ها در موضوع حجاب هشدار دادند. گفتنی است که این مخالفت‌ها صرفا از سوی حامیان دولت مطرح نشد و حتی بسیاری از چهره‌ها و رسانه‌های اصولگرا نیز واکنش نشان دادند. مثلا سایت تابناک خواستار تعلیق این قانون و عذرخواهی از مردم شده بود. با وجود همه این مسائل شاهد اصرار طیف تندرو در مجلس برای ابلاغ این قانون بودیم و از اظهارات محمدباقر قالیباف نیز اینطور برمی‌آمد که مجلس قصد عقب نشینی ندارد. بعد از ۲۳ آذر، اما وضعیت تغییر کرد. معاون پارلمانی رئیس جمهور از توقف اجرای این قانون خبر داد و گفت که دولت در حال تهیه لایحه اصلاحی است! علی ربیعی دستیار پزشکیان نیز خبر دارد که مساله به شورای عالی امنیت ملی سپرده شده است. همزمان علی شکوری راد در گفت‌وگویی از شنیده‌های خود درباره پیگیری پزشکیان برای حل موضوع از مسیر رهبری سخن گفت. در مجموع به نظر می‌رسد که تلاش و رایزنی‌های دولت برای توقف اجرای این قانون موثر بوده و حداقل و تا اصلاح موارد لازم، بحث منتفی است.

هدف رادیکال‌ها

اظهارات اخیر حمید رسایی، اما معلوم کرد که طیف رادیکال قصد رها کردن این ماجرا را ندارد. رسایی در پاسخ به ربیعی که نوشته بود «سپاس از رئیس جمهور که اجرای این قانون را با توجه به تبعات اجتماعی آن در دستور کار شورای امنیت ملی قرار داد» نوشت: «شما که دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده‌اید بهتر از هر کس می‌دانید که بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی، مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تایید رهبر معظم انقلاب قابلیت اجرا دارد.» با توجه به این سخن رسایی و اشاره به اهمیت تایید رهبری در این قضیه، گفت‌وگویی که شکوری راد از آن خبر داده بود، معنادارتر می‌شود. او گفته بود: «در مورد این قانون عفاف و حجاب، من شنیدم که ایشان با رهبری گفت‌وگو کرده و گفته که اگر این قانون بخواهد اجرا شود، نظام جمهوری اسلامی آسیب می‌بیند و من به همین دلیل نمی‌توانم آن را ابلاغ و اجرا کنم. من نباید اینها را نقل قول کنم، اما به هر حال نتیجه آن گفت‌وگو این بود که قالیباف هم قرار شده بود ابلاغ نکند، البته حالا نمی‌دانم چرا اعلام کرده، می‌خواهم ابلاغ کنم. چرای این کار که الان اعلام کرده می‌خواهم آن را ابلاغ کنم، نمی‌دانم چیست و نمی‌دانم چرا اعلام کرده و نمی‌دانم آیا این به معنای ورود به یک فاز جدید است یا موضوع دیگری را حل و فصل می‌کند یا ممکن است بخشی از یک سناریو باشد. من نمی‌دانم دقیقا پشت پرده این اعلام چیست. می‌توانم آن را مثبت تلقی کنم یا منفی، باید صبر کرد و دید چه اتفاقی می‌افتد، اما به هر حال کاری که پزشکیان کرده این بوده که این قانون را فعلاً ابلاغ نکرده و اعلام کرده، نمی‌توانم اجرایش کنم.» به نظر می‌رسد که رادیکال‌ها بعد از همه تلاش‌هایی که برای اجرای این قانون کردند و موفق نشدند، سعی دارند توپ را در زمین رهبری اندازند! باید منتظر ماند و دید که نهایتا در سطح عالی چه تصمیمی درباره این قضیه گرفته خواهد شد. اگرچه که عدم اجرای قانون عفاف و حجاب و تامل درباره ایرادات وارده به این قانون نشانه مثبتی است و ثابت می‌کند، اراده جدی برای جلوگیری از ایجاد چالش و بحران‌های بیشتر وجود دارد.